



## درس خارج فقه استاد حاج سید مجتبی نورمفیدی

موضوع کلی: اصول عملیه

تاریخ: ۲۳ مهر ۱۴۰۴

موضوع جزئی: مقدمات - مقدمه نهم: تقدم امارات بر اصول عملیه - ملاک تقدیم امارات - قول دوم: ورود - مصادف با: ۲۲ ربیع الثانی ۱۴۴۷  
محصل تقریب سوم - بررسی تقریب سوم - کلام محقق نایینی - شرح رساله حقوق - آثار نماز اول وقت - ۵. جلوگیری از غرق شدن در دنیا - ۶. امنیت از عذاب دنیوی - ۷. دفع شر شیطان هنگام مرگ

جلسه: ۲۴

سال هفدهم

### «الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی محمد وآله الطاهیرین و اللعن علی اعدائهم اجمعین»

#### کلام محقق نایینی

تقریب سوم برای ورود ادله امارات بر ادله اصول عملیه ذکر شد و اشکالاتی که نسبت به این تقریب مطرح شده است بیان گردید. محقق نایینی بعد از بیان تقریب سوم می‌فرماید: اساساً امکان تحقق ورود در مورد امارات نسبت به اصول عملیه وجود ندارد؛ بعد از اینکه سه تقریب برای ورود ذکر کردند، می‌فرمایند اصلاً امکان ورود منتفی است. نمی‌توانیم بگوییم امارات وارد بر اصول عملیه هستند. لذا ریشه ورود را می‌زنند و می‌گویند امکان ندارد. حال مدعای ایشان چیست؟ چرا می‌گویند امکان ندارد؟ به نظر ایشان اگر بخواهد یک دلیلی بر دلیل دیگر وارد باشد، دو چیز باید محقق شود:

۱. دلیل وارد، موضوع دلیل مورود را از بین ببرد. البته این بالعنایه و التبعید صورت می‌گیرد. خروج تکوینی نیست، خروج واقعی از موضوع یا خروج موضوعی است لکن بالتبعید. این ویژگی مورد قبول همه است. همه مثل شیخ (رحمة الله علیه) نظرشان این است که دلیل وارد، موضوع دلیل مورود را از بین می‌برد.

۲. ویژگی دوم که البته در کلمات شیخ نیامده این است که رفع موضوع در دلیل مورود باید به نفس دلیل وارد باشد، نه بالالتزام به مؤدا. به تعبیر دیگر، رفع موضوع باید به تبعید باشد، نه ثبوت متعبد به. توضیح ذلک:

این ویژگی دوم را باید شرح دهیم تا معلوم شود که مقصود محقق نایینی چیست. چون ادعای عدم امکان ورود در مورد امارات نسبت به اصول عملیه عمدتاً بر اساس همین ویژگی است. محقق نایینی می‌فرمایند: این خصوصیت اینجا وجود ندارد و لذا اصلاً امکان تحقق ورود نیست.

مثالی می‌زنم تا تفاوت بین اینکه رفع بالتبعید باشد یا بثبوت متعبد به معلوم شود. اگر گفتیم مثلاً با استصحاب، نماز جمعه واجب شود؛ به این معنا که یقین داریم نماز جمعه در عصر حضور واجب بوده و اکنون در عصر غیبت شک می‌کنیم نماز جمعه واجب است یا خیر؟ استصحاب وجوب نماز جمعه را می‌کنیم. حال اگر اماره‌ای قائم شود مبنی بر اینکه نماز جمعه واجب نیست؛ مثلاً خبری از زراره به ما برسد که در عصر غیبت نماز جمعه واجب نیست. اینجا به سبب خود دلیل اماره، موضوع دلیل اصل، از بین نمی‌رود. زیرا مفاد دلیل اماره یا دلیل حجیت خبر واحد این است که خبر الواحد حجة، این قضیه‌ای است که از ادله حجیت خبر واحد به دست می‌آید. اصل عملی اقتضا می‌کرد که نماز جمعه واجب است، یعنی ما وجوب نماز جمعه را با استصحاب ثابت کردیم.

الان خبر الواحد حجة موضوع دلیل اصل از بین نمی‌رود. زیرا موضوع آن عبارت بود از نماز جمعه مشکوک بود و ما بنا را بر

یقین سابق گذاشتیم و گفتیم نماز جمعه واجب است. لکن دلیل اماره ما را متعبد می‌کند به خبر و خبر را حجت قرار می‌دهد، اما آیا خبر الواحد حجة، موضوع اصل را از بین می‌برد؟ کاری به آن موضوع ندارد. آن موضوع را از بین نمی‌برد. پس چه چیزی موضوع را از بین می‌برد؟ ثبوت متعبد به؛ یعنی چه؟ یعنی عدم وجوب نماز جمعه که مؤدای خبر است، این است که موضوع استصحاب را به عنوان اصل عملی از بین می‌برد. به صرف دلیل تعبد، یعنی خبر الواحد حجة، موضوع دلیل اصل که وجوب مشکوک نماز جمعه است از بین نمی‌رود. ما باید یک گام جلوتر برویم و بگوییم حال که خبر واحد حجت شده است، پس زراره که می‌گوید نماز جمعه در عصر غیبت واجب نیست، ما متعبد می‌شویم به عدم وجوب نماز جمعه. التزام به این مؤدا و ثبوت متعبد به است که موضوع استصحاب را از بین می‌برد. این عدم وجوب نماز جمعه، آن وجوبی را که در نماز جمعه مشکوک بود از بین می‌برد. لذا خود دلیل به تنهایی باعث رفع موضوع در دلیل مورود نمی‌شود.

ولی بعضی از جاها به نفس دلیل، موضوع از بین می‌رود و نیازی به این گام بعدی نیست. مثلاً در مورد اصول عملیه عقلیه مانند برائت عقلی. مفاد برائت عقلی این است که عقاب بلایان قبیح است. اگر دلیلی آمد، خبر واحد را برای ما حجت کرد، و گفت خبر الواحد حجة، خبر الواحد بیان، اینجا به صرف این تعبد، موضوع دلیل برائت عقلی از بین می‌رود. چون آن دلیل می‌گوید عقاب بلایان قبیح است و این دلیل می‌گوید خبر الواحد بیان. پس بدون اینکه ملتزم شویم به مؤدای دلیل خود دلیل موضوع آن دلیل را از بین می‌برد.

لذا ایشان می‌گویند ادله امارات بر اصول عملیه عقلیه ورود دارند، اما بر اصول عملیه شرعیه ورود ندارند و اصلاً ممکن نیست ورود پیدا کند. چون در ورود دو ویژگی و دو خصوصیت معتبر است و برای این که بخواهد یک دلیلی بر دلیل دیگر وارد باشد. اگر یکی از اینها نباشد ورود منتفی است. ویژگی اول که گفتیم همه قبول دارند، شیخ هم قبول دارد، این است که دلیل وارد، موضوع دلیل مورود را از بین ببرد. دوم اینکه از بین بردن موضوع دلیل مورود به خود این تعبد باشد، نه به التزام به متعبد به، نه به ثبوت متعبد به، نه به پذیرش مؤدای دلیل تعبد. اصلاً خود قیام دلیل موجب رفع موضوع شود و نیاز نباشد برای این که موضوع دلیل مورود از بین برود به مؤدای آن دلیل ملتزم و متعبد شویم. لذا ایشان در مورد امارات می‌فرمایند ما نمی‌توانیم بگوییم امارات بر اصول عملیه شرعی وارد هستند. زیرا درست است که با قیام دلیل تعبد، موضوع دلیل مورود مرتفع می‌شود، ولی این به تنهایی کافی نیست. هم دلیل تعبد باید باشد و هم ما به متعبد به و مؤدای آن دلیل پایبند بشویم.

پس فرق است بین قیام دلیل و بین ثبوت مؤدای آن دلیل. بیان شد که در خبر الواحد حجة یا خبر الواحد بیان، ما می‌توانیم بگوییم خود این دلیل که قائم می‌شود، بدون آن که به مضمون آن ملتزم شویم، بدون اینکه بگوییم حکم آن چیست، موضوع دلیل قبیح عقاب بلایان را از بین می‌برد. لذا اینجا وارد است. اما اگر رفع موضوع دلیل مورود وابسته به این باشد که ما مؤدای اماره و مؤدای خبر را بپذیریم و به آن ملتزم شویم این دیگر ورود نیست.

لذا ایشان می‌فرمایند اساساً امارات نسبت به اصول عملیه شرعیه امکان ورود را ندارد.

سوال:

استاد: بله، ایشان ادعا می‌کنند حکومت دارند. اصلاً دارند می‌گویند امکان ورود نیست. امکان ورود را منتفی می‌کنند و زمینه‌چینی می‌کنند برای اینکه بگویند حکومت دارند. خود مرحوم شیخ هم می‌گویند حکومت دارند. مرحوم نائینی هم می‌گویند حکومت

این مطلبی است که در پایان بحث از تقریب‌های سه‌گانه ورود، ایشان آن را ادعا کرده و به طور کلی ورود را ممکن نمی‌دانند. حال ما باید مسئله حکومت را بعد بررسی بکنیم و بعد ببینیم که آیا این مطلب درست است یا خیر؟

### شرح رساله حقوق

جلسه گذشته درباره حق نماز و آثار نماز اول وقت مطالبی را ذکر کردیم. اینکه نماز اول وقت چه اهمیتی دارد و چه آثار دنیوی و اخروی دارد.

### آثار نماز اول وقت

در جلسه قبل فرصت نشد که به همه این آثار اشاره کنیم. چند اثر را بیان کردیم و چند اثر دیگر خوب است بیان شود.

### ۵. جلوگیری از غرق شدن در دنیا

یکی دیگر از آثار نماز اول وقت، جلوگیری از غرض در دنیا است. عجیب است که چگونه نماز اول وقت مانع فرو رفتن در لذت‌های دنیا می‌شود. امام سجاده (ع) در کلام نورانی دیگری به این نکته خودشان اشاره کردند. می‌فرمایند: «مَنْ أَهْتَمَّ بِمَوَاقِيتِ الصَّلَاةِ لَمْ يَسْتَكْمِلْ لَذَّةَ الدُّنْيَا» کسی که به اوقات نماز اهتمام داشته باشد، لذت دنیا را کامل نمی‌کند. لذت دنیا را به طور کامل درک نمی‌کند. این یعنی چه؟ کسی که مواظب نماز اول وقت باشد و به اوقات نماز اهتمام داشته باشد، لذت دنیا را کامل نمی‌کند. اینکه ایشان فرموده: «مَنْ أَهْتَمَّ بِمَوَاقِيتِ الصَّلَاةِ» یک احتمال این است که این مواظبت عام باشد. طبق این احتمال حرفی از نماز اول وقت نزده‌اند «مواقیت الصلاة» نماز صبح یک وقتی دارد، ظهر یک وقتی دارد، مغرب و عشا یک وقتی دارد. لکن افضل الأوقات آن اول وقت است و همینطور تا برود به مراتب بعدی. اینکه امام می‌فرمایند: به مواظبت الصلاة اهتمام داشته باشد، یعنی مواظب باشد نمازش از وقت خارج نشود و تأکید می‌کند که نگذارید نمازتان قضا شود.

احتمال دیگر اینکه اشاره به همان اوقات خاص، افضل الأوقات و اول اوقات می‌کند.

تعبیر «لَمْ يَسْتَكْمِلْ لَذَّةَ الدُّنْيَا» با تفسیر مواظبت به همه اوقات سازگار نیست. مقصود امام این نیست که نماز را داخل وقت بخوانید و نگذارید نمازتان قضا شود. آن اگر بود نمی‌گفتند «لَمْ يَسْتَكْمِلْ لَذَّةَ الدُّنْيَا» آن بالاتر از این است. آن نافرمانی خداست و اثر رعایت نکردن و اهتمام نداشتن به این اوقات فراتر از این حرف‌هاست. چون در آن صورت نه تنها لذت دنیا برایش کامل نیست، بلکه عواقب و مشکلات فراوانی برای او به دنبال دارد. لذا به نظر می‌رسد تعبیر «لَمْ يَسْتَكْمِلْ لَذَّةَ الدُّنْيَا» مناسب‌تر است با این که منظور از مواظبت الصلاة همان اول وقت باشد. لذا حضرت می‌فرمایند کسی که به نماز اول وقت اهتمام داشته باشد در لذت‌های دنیایی غرق نمی‌شود، فرو نمی‌رود، گرفتار گمراهی نمی‌شود. یعنی تا می‌خواهد غفلت برای او عارض شود، مراقب باشد اول وقت نمازش را بخواند. این نمازی که اول وقت خوانده شود، او را برای اجتناب از گناه و معصیت آماده‌تر می‌کند، او را مستعد برای اطاعت و فرمانبرداری می‌کند.

این چیز کمی نیست. نماز اول وقت جلوی غفلت آدمی را می‌گیرد. ما خیلی وقت‌ها فکر می‌کنیم سیر و سلوک و طی طریق معرفت باید با ادکار خاص، چله‌نشینی‌ها و ... باشد. من آنها را نفی نمی‌کنم، ولی مهم‌ترین کارها همین نماز اول وقت است. اینکه خداوند در نماز اول وقت آثار و برکاتی قرار داده، این به جای خود. نماز اول وقت طبعاً آن آثار و برکات را دارد، اما یکی از مهم‌ترین آثار و برکات نماز اول وقت، تعالی بخشی به انسان است.

دنیا و عالم ماده و طبیعت و آنچه که پیرامون ما می‌باشد، دائماً ما را از یاد خدا منصرف می‌کند هرچه هم که توجه ما به این مظاهر بیشتر شود، بیشتر در این باتلاق فرو می‌رویم و جدا شدن از آن واقعاً کار سختی است. برای اینکه این اتفاق نیفتد، یکی از بهترین راه‌ها نماز اول وقت است، البته نمازی که با آداب خودش باشد. انسان بعضی را نگاه می‌کند که نماز اول وقت را رها کرده و حتی متأسفانه گاهی خود نماز را، اما می‌خواهد با ذکر و چله‌نشینی و شرکت در هیئات و سینه‌زنی و امثال آن خودش را به آن مراتب عالیه برساند. آنها به جای خود، آنها مکمل این کارها هستند، مکمل ارتقاء و تعالی معنوی انسان است، ولی نه اینکه جایگزین نماز و نماز اول وقت باشند، اصل، نماز اول وقت است. این جلوی غفلت را می‌گیرد. اینکه انسان غفلت نکند، این اولین گام برای حرکت به سوی اهداف عالیه الهیه است.

#### **۶. امنیت از عذاب دنیوی**

طبق برخی روایات، نماز اول وقت باعث امنیت نمازگزار از عذاب‌های دنیوی است. این یک اثر وضعی است. در روایتی از پیامبر وارد شده است: «إِذَا أَنْزَلَ اللَّهُ عَاقِبَةً مِنْ السَّمَاءِ عَوْفِي حِمْلَةِ الْقُرْآنِ وَ رَعَاهُ الشَّمْسُ أَيْ الْحَافِظُونَ لَأَوْقَاتِ الصَّلَوَاتِ وَ عِمَارِ الْمَسَاجِدِ» می‌گویند آنهایی که محافظ و نگهدارنده اوقات نماز هستند، اینها و البته حاملان قرآن، از آفت‌های آسمانی مصون هستند و این آفت‌ها به آنها نمی‌رسد.

#### **۷. دفع شر شیطان هنگام مرگ**

یک اثر دیگر که اینجا ذکر شده، دفع شر شیطان و امکان ادای شهادتین در حین مرگ است. امام صادق (علیه السلام) می‌فرمایند: «مَلَكُ الْمَوْتِ يَدْفَعُ الشَّيْطَانَ عَنِ الْمُحَافِظِ عَلَى الصَّلَاةِ، وَيُلْقِنُهُ شَهَادَةَ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَ أَنَّ مُحَمَّدًا رَسُولُ اللَّهِ، فِي تِلْكَ الْحَالَةِ الْعَظِيمَةِ»؛ ملک الموت شیطان را از نمازگزار و محافظ بر نماز در اول وقت، دفع می‌کند و شهادت را به او تلقین می‌کند که بتواند هنگام مرگ فی تلك الحالة العظيمة شهادت را بر زبان جاری کند.

آثار دیگری هم گفته شده، اما چون فرصت کم است به همین مقدار اکتفا می‌شود.

«والحمد لله رب العالمين»